خراسان رضوی

صفحه آخر

چهارشنبه
۸ دی ۱۳۹۵
۲۸ ربیع الاول ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۴۶۴

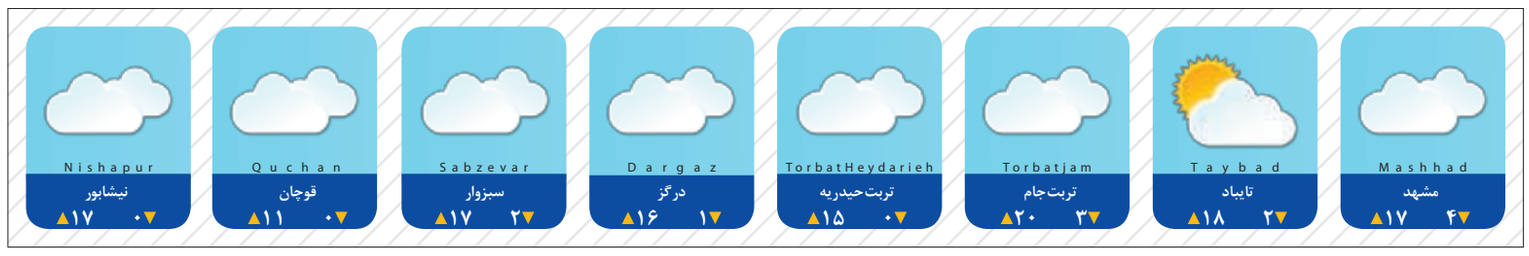

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

هر کس امر به معروف کند، به مؤمن نیرو می‌بخشد و هر کس نهی از منکر نماید، بینی منافق را به خاک می‌مالد و از مکر او در امان می‌ماند.
کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۵۱

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی
دلی ده که در شکر تو جان بازیم
و جانی ده که کار آن جهان سازیم
الهی
دانایی ده که از راه نیفتیم
و بینایی ده که در چاه نیفتیم

کارتون

مانی غریب

دلار در سکوی ۴۱۵۰ تومان!

خراسان به روایت خراسان

۸ دی ماه ۱۳۴۳

تریاک در فولکس واگن

۵۲ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:
به طوری که خبرنگار ما گزارش می‌دهد، مامورین ناحیه ژاندارمری خراسان، هنگ مشهد، شب گذشته ضمن راه‌بندی به اتومبیل فولکس واگنی به سرنشینی محمد، رجبعلی و اکبر که از قریه علیک از توابع تربت حیدریه، پس از بازرسی مقدار ۱۶/۵ کیلوگرم تریاک به دست آوردند. متهمین به خاطر داشتن تریاک دستگیر و تسلیم مقامات دادگستری شدند و تریاک مکشوفه تحویل اداره نظارت بر مواد مخدر گردید.

جاعل قبض محکوم شد

روز گذشته شعبه اول دادگاه جنایی تشکیل شد و به پرونده اتهامی حسین فرزند تقی رسیدگی شد و او به ۶ ماه حبس تادیبی محکوم گردید. حسین متهم بود که در تاریخ ۱۷ مرداد مرتکب جعل قبض عادی شده است.

شهرداری زغال توزیع می‌کند

این روزها ۸ کامیون کمپرسی شهرداری هر کدام محتوی صدها کیسه ۱۵ کیلویی خاکه زغال به همت مامورین شهرداری بین مستمندان توزیع می‌شود. زغال را امسال شهرداری را سا به وسیله کامیون درب منازل مستمندان برده و در محل توزیع می‌نماید.

یخ اغلب لوله‌ها را ترکاند

گزارش خبرنگار ما در شهرستان حاکی است که هنوز هم نزول برف و بارندگی در اغلب نقاط و سرمای شدید در بیشتر شهرستان‌ها ادامه دارد و در بعضی شهرستان‌ها برف سنگینی باریده است. نیمه شب گذشته برف شدیدی در نیشابور و تمام نقاط اطراف شروع به ریزش نمود که تا صبح ادامه داشت و بر اثر نزول آن رفت و آمد وسایل نقلیه به سختی انجام می‌شود و مدارس و مغازه‌ها به صورت نیمه تعطیل درآمد. در مشهد هم به دنبال نزول برف سنگین و سرمای شدید، لوله‌های آب لوله کشی مشهد یخ زد و جریان آب در لوله‌ها قطع شده و اغلب لوله‌ها ترکیده است.

کشیک نانواها

همان‌طور که اهالی تربت جام به وسیله این روزنامه از شهرداری خواسته بودند، برای نانواها کشیک تعیین و قرار شد که هر نانوایی که در شب کشیک نان نداشته باشد، مطابق مقررات مورد مواخذه قرار گیرد.

آلادین مردی را خفه کرد

شب دوشنبه پیرمردی ۶۰ ساله که در اطاق خود واقع در کوچه ارگ پشت تماشاخانه ملی سابق زندگی می‌کرد، آلادین را روشن نموده، کنار تختخواب می‌گذارد و می‌خوابد ولی نیمه شب فیتیله آلادین شعله می‌کشد و دود نفت هوای اطاق را آلوده و او را به خفگی دچار می‌سازد.

خاطرات یک نعش کش – قسمت هفدهم

میلاد خوشخو

ماجرای حشمت دودکش و اشتغال‌زایی پیش از موت

اخیراً مدیران بالادستی گوشزد فرموده‌اند مرا به مأموریت‌های پرماجرا نبرند و در همین راستا قبل از هر ابلاغ، هفت پشت خاندان متوفی توسط برادران مادر واحد مراقبت اداره کل امور میت‌ها مورد شناسایی و بررسی قرار می‌گیرند و پس از احراز صلاحیت آن‌ها توسط خودشان و همکارانشان در واحد نگهبانی مستقر در جلوی دروازه سازمان، اجازه کشیدن نعش آن مرحومان مغفور ان به حقیر اعطا می‌گردد. علت اصلی اجرای این ساختار نظارتی در ابتدا بر من و خصوصا همکار با سابقه‌ام جناب آقای مبارکه پوشیده بود و موجبات تعجب اینجانبان را فراهم آورد. اما با کمی پرس و جو عیان گردید یکی از همکاران و ایضا اخوی‌های ما در اداره، «صفحه آخر» روزنامه را مطالعه می‌کنند (ضمن عرض سلام و ادب و احترام خدمت شما حاج آقا) و به تبع آن با خواندن این ستون بنده را مورد لطف قرار داده‌اند. آن گونه که به ما رسیده، گویا در پاره‌ای از مأموریت‌ها به حدی داستان را زیبا، شفاف، بی‌پرده و جگرسوز شرح داده بودم که به شدت بر روی احساسات ایشان اثر گذاشته و طی حُکم محرمانه‌ای فرموده‌اند؛ زین پس کمی بیشتر مراقب من باشند و برای انتقال جنازه هر میت بی‌سر و پا و پُرحاشیه‌ای مزاحمم نشوند. واقعا خوشحالم از اینکه مسئولین تا این حد هوای تازه واردی مثل مرا دارند. این‌ها را مأمور پشت بی‌سیم که شکر خدا با ما خیلی ندارو راحت است به اطلاع‌مان رساندو در ادامه اضافه کرد: «دکتر جون... نگی من اینارو بهت گفتما... ولی اینقدر این تخیلات و حرفاتون با مرده‌ها رو بودار نکن که ما رو هم با خودت گرفتار کنی.» با این اوصاف که رفت، همین همکار عزیزمان آدرس را اعلام نمود و تاکید کرد که رئیس گشته یک مرده بی‌در دسر که نه‌تهپیاز بودونه‌سرآن پیدا فرموده و گفته دکترو مبارکه برونداسروقت این یارو که برای همه ما بهتر است. رفتیم و شد آنچه که باید می‌شد.

ته آدرس به جای شماره پلاک گفتند: «... نبش خیابان سی و هشتم- حشمت دودکش». رسیدیم و اتفاقا بسیار ساده‌تر از هر پلاک ثابتی پیدایش کردیم. و اما حشمت دودکش... پیرمردی حدودا هشتادساله که روی چارپایه پشت یک باکس چوبی نشسته بود و سیگار می‌فروخت.

مبارکه: «پدرجان حشمت دودکش خودتی؟»
حشمت: «خودمم پسرجان. درست اومدین. یه ذره صبر کنی میام باهاتون. بیا این سیگار رو بگیر بزن روشن شی تا بیام.»
مبارکه: «کجامیای پدرجان؟ اومدیم میت شمارو ببریم که روزمین نمونه. خودتون نمی‌تونید تشریف بیارید... سیگارم نمی‌کشم.»

حشمت دودکش چشم غره‌ای رفت و تکرار کرد: «میگم صبر کن پسر». سپس از جا بلند شد و با صدای بلند فریاد کشید: «آقایون علاف محل... داداشیا... بدو بدو که میخوام آتیش بزنم به مالم». گفتن این جمله همان و هجوم جمعیت از اطراف و اکناف به سمت ما همان. با تعجب به حشمت نگاه می‌کردم که پرسید: «نمی‌دونی خرج یه کفن و دفن ساده چقده بچه؟»

مبارکه: «خیلی پدرجان! هم هزینه قبر داری هم پول مراسم.»

بدون اینکه چیزی بگوید سری تکان داد و دوباره فریاد کشید: «یه چارپایه و یه باکس چوبی دو طبقه با دخل پول. حدود ۱۰۰ تومن سیگار باقی مونده و امتیاز سیگار فروشی نبش خیابون سی و هشتم هم هست.» که ناگهان فریاد جماعت از هر گوشه بلند شد و هر کس شروع کرد به اعلام یک قیمت. وسط هیاهو و شنیده شدن مکرر کلمه «میلیون»، جوانک عینکی نحیفی با طمأنینه خودرا از میان جمع جدا کرد و گفت: «جسارتا اگر چه آنچه بر زبان الکن خواهم راند فاقد وجاهت لازم بر مبنای اصول اساسی مستخرج از استدلالات استنتاجی است، امار خصت می‌طلبم برای جاری ساختن پیشنهاد خویش.»

حشمت: «باز این مهندس اومد... بنال ببینم چی می‌گی بچه. بالاخره آرزوی آدمیزادی حرف زدن تورو به گور می‌برم.»

مهندس (در حالی که یک اسکناس دوهزار تومانی را به سمت حشمت دودکش گرفته بود): «این تهی دست عاجز به واسطه ذخر سرمایه حاصل از وصول یارانه این ماه و تنها ابتیاع چند قرص نان جهت بلع و گریز از ممات، ثمن بخسی در اختیار دارم و در صورت بذل مساعدت، به شرط پرداخت ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده حاضر به بیع مایملک جنابتان هستم.»

حشمت: «ما که نفهمیدیم این زبون بسته چی میگه... با این همه تحصیلات ببین چطوری از بیکاری زده به سرش. چیه پسر؟ سیگار می‌خوای؟ تو که سیگاری نیستی.»

من: «نخیر جناب دودکش... ایشان قصد خرید اموال شما را دارند.»

حشمت نگاه چپ چپی به جوانک انداخت، اسکناس را گرفت و با صدای بلند گفت: «تیاتر تموم شد... فروختمش... از امروز مهندس سیگار فروش محله... همگی به سلامت» و سپس همان دوهزار تومانی را سمت من گرفت و ادامه داد: «بگیر اینو بچه. خودت که دیدی چی شد... به قیمت یه چارپایه و یه باکس چوبی برای یه متخصص مملکت ایجاد اشتغال کردم. اینجوری نبینا... رئیس و وزیرش توش مونده عمو... ما که مایییم... این دو تومنی شاید پول قبر نشه... ولی به هر کی بدی یه فاتحه نثار ما می‌کنه. بالاخره خدا بزرگه و روزمین نمی‌مونیم.» این را گفت و چنگی به قلبش زد و افتاد و مُرد.

توی مسیر هر چه صدایش کردیم و درباره چگونگی پیش بینی مرگش پرسیدیم، جواب نداد. اما وقتی مبارکه گفت: «دکتر جان... لابد خسته است خیلی.»، متوفی به حرف آمد و پاسخ داد: «نه بچه. خسته نیستم. نگران باقی مهندسام، حرفم نمیاد». این را گفت و دوباره ساکت شد.

خاطره امروز من و مبارکه خیلی متفاوت بود و به گمانم علتش گلچین میت توسط آقای رئیس باشد. از همینجا ضمن تقدیم سلام، به عرض آن همکارمان که خاطراتم را در روزنامه می‌خواند می‌رسانم که: حاج آقا... شما که هزار ماشاءا... وزنه‌ای در اداره کل امور میت‌ها هستید... اگر می‌شود سفارشی بفرمایید تا یک مقدار قیمت قبرها کمتر شود و دفعه بعد که نوبت نعش کشی آن مهندس بیکار بود، مجبور نباشد مثل حشمت دودکش همه چیزش را به حراج بگذارد.

یادداشت

قاضی محمد بخشی محبی

معاون دادستان مشهد

شبکه‌های بازاریابی هرمی و تکرار تجربه تلخ سودجویی از نیاز مردم

بازاریابی شبکه‌ای که شباهت‌هایی به مدل و رویکرد شرکت‌های هرمی دارد، بستر ساز جرایمی آسیب‌زا برای جامعه بوده‌است. در حقیقت عده‌ای تلاش کرده‌اند تا همان رویکردی را که در شرکت‌های هرمی دنبال می‌شد با به بازی گرفتن کلمات، توجیه کنند. دستگاه قضا، بازاریابی را بخشی از بدنه اقتصاد می‌داند اما مشروط بر آنکه این بحث در چارچوب‌های قانونی خود دنبال شود. افراط‌ها و تفریط‌ها یا وارد کردن چارچوب شرکت‌های هرمی به سیستم بازاریابی، این مفهوم را مخدوش و غیرقانونی می‌کند. متاسفانه هم اکنون شرکت‌های هرمی در پوشش شبکه‌های بازاریابی در حال فعالیت هستند و به رغم هشدارهای مکرر دستگاه قضایی، همچنان عده‌ای به دام این شبکه‌ها می‌افتند. تقبیح فعالیت این ساختارها، از بابت آن است که فساد اقتصادی را دامن می‌زنند و کسب سود عده‌ای به زیان شمار دیگری منجر می‌شود. آنچه در این میان تلخ می‌نماید، اتکای این افراد سودجو به مشکلات اقتصادی افراد است تا از این طریق مطامع خود را عملی سازند. گردانندگان این شبکه‌های غیرقانونی به واسطه اخلالی که در نظام اقتصادی ایجاد می‌کنند و خسران گسترده‌ای که برای مردم رقم می‌زنند، مشمول مجازات‌هایی سنگین خواهند شد. بر اساس قانون «ممنوعیت فعالیت شرکت‌های هرمی» (این قانون با الحاق یک بند و یک تبصره به ماده (۱) قانون «مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور» تصویب شده است)، فعالان اصلی این طرح‌ها که قصد ضربه زدن به نظام را داشته باشند، مفسد فی الارض تلقی می‌شوند و مجازات اعدام برای آن‌ها تعیین شده است و برای فعالان اصلی فاقد قصد مجازات، حبس از ۵ تا ۲۰ سال و ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی و برای فعالان جزء، مجازات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و جزای نقدی معادل دو برابر اموال نامشروع به دست آمده از این راه، قید شده است. در تمامی موارد یاد شده، دادگاه باید تمام اموالی را که از راه خلاف قانون به دست آمده است ضبط کند و به محرومیت از هر گونه خدمات دولتی یا انفصال ابد از آن‌ها به تمامی شرکا و معاونان جرم، حکم دهد. نکته مهم این است که هیچ‌یک از مجازات‌های مقرر در قانون قابل تعلیق نیست و هیچ‌یک از جزاها، امکان تخفیف یا تقلیل ندارند. اگر چه در بدو امر ممکن است به نظر آید عمل فردی که به عنوان عضو معمولی در این سیستم حضور دارد، عملی اخلال گرانه نیست، اما باید گفت که عضویت در این شبکه‌ها نیز خود مصداق عمل مجرمانه و اخلال در نظام اقتصادی کشور به حساب می‌آید و نظر قانونگذار آن است که هر عضو عادی به اعضای بالای هرم متصل بوده و افراد دیگری را در مجموعه خود عضو کرده است. در کنار این موارد شاهد آسیب‌های اجتماعی و رفتاری ناشی از اختلاط زن و مرد در مجالس و محافل این گروه‌ها هستیم که خود باب مباحثی تازه را باز می‌کند. در این میان، برخی از واحدهای فروش مدعی هستند که مجوز دارند اما به صرف داشتن یک مجوز از یک مرجع نباید این گونه تصور کرد که می‌توان به هر اقدامی دست زد. بعضی از این شرکت‌ها ممکن است مجوزهایی را از نهادهای دولتی اخذ کرده باشند که بعضا در حوزه کاریابی یا بازاریابی باشد اما دارنده آن خطوط و مرزهای قانونی را شکسته و مرتکب جرم شده است. در فهرست جرایم این افراد، موارد مختلفی از ایجاد شبکه‌های هرمی تا فرار مالیاتی و حتی خرید و فروش اجناسی مشاهده می‌شود که فاقد تاییدات مراجع سلامت و بهداشت هستند. از سویی کسب درآمدی که از طریق این شبکه‌ها انجام می‌شود، نامشروع است و به قیمت زیان عده‌ای تمام می‌شود. در سال‌های اخیر تذکرات متعددی در این باره داده شده است اما بعضی به سودای کسب سود، به این تذکرات بی‌اعتنایی می‌کنند و توان این رویکرد از هم پاشیدن نظام خانواده، زیان اقتصادی فرد و جامعه است. برای پیشگیری از این شرایط ضروری است، ضمن افزایش آگاهی جامعه و هوشیاری آحاد مردم نسبت به این مخاطرات، اقدامات نظارتی از سوی سازمان‌ها و نهادهای مربوطه افزایش پیدا کند. فرهیختگان و رسانه‌ها نیز رسالت اطلاع‌رسانی را بر دوش دارند.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

تصویری از حضور مهاجم خارجی سابق پرسپولیس در حرم امام رضا(ع)

«علیرضا نصر آزادانی» تکواندوکار قهرمان ایران که مدال‌هایش را تقدیم بارگاه امام رضا(ع) کرده است، در گفت وگویی با خبرگزاری فرهنگ رضوی، گفته است؛ «زیارت امام رضا(ع) مسیر زندگی حرفه‌ای و شخصی‌ام را تغییر داد.»
او به بیان خاطره‌ای از اولین سفرش به مشهد پرداخته و بیان کرده است: فکر کنم ۲۰ سال قبل بود که اولین تجربه زیارتم را کسب کردم و به مشهد و زیارت امام رضا(ع) رفتم. خیلی کوچک بودم و همه خاطراتم از آن سفر مربوط به شگفتی از حضور مردم و زائران می‌شد. بعد از آن هم خیلی کم سعادت بودم و دومین زیارتم ۸ سال بعد از آن اتفاق افتاد. این زیارت اما مسیر زندگی حرفه‌ای و شخصی‌ام را با تغییرات وسیعی همراه کرد و موفقیت‌هایم از آن زمان رقم خورد. دومین زیارتم را زمانی که ۱۸ ساله بودم با حضور در مشهد انجام دادم که احساس آرامش بسیار و قوت قلب کردم. تا پیش از آن هیچ موفقیتی در زندگی حرفه‌ای نداشتم. همان جا از امام رضا(ع) درخواست کردم که لطف و کرمشان را شامل حالم کنند و نذر کردم که تمام موفقیت‌هایم را از ایشان بخواهم و برای رسیدن به آنها تلاش کنم.»